

دکتر جواد سلماسی زاده

گروه ادبیات فارسی

دانشگاه آذربایجان

شبه‌ای از نشانی‌ها و اوصاف

شیطان

در دو داستان از دفتر پنجم مثنوی معنوی

- ۱- داستان دعوت کردن مسلمان مغ را از بیت شماره ۲۹۱۲-۲۹۳۶.
 - ۲- مثل شیطان بر در رحمان از بیت شماره ۲۹۳۷-۲۹۹۳.
- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی موضوع مشکل و پیچیده کتاب تکوین یعنی (شیطان) را که از روز ازل مایه ابتلای آدم ابوالبشر بوده است، سپس موجب گمراهی فرزندان او گردیده، طبق شیوه مرضیه خویش سهل و آسان و در لباس تمثیل و بصورت جدال مؤمن مسلمان بامغ مجوس در دفتر پنجم مثنوی مطرح کرده است.
- بشکل اثبات دعوی و اظهار دلایل اصحاب دعوی، غوامض مسائل را که از قرون و اعصار، توجه ارباب ادیان و فرق مختلف و اذهان اندیشمندان را به خود معطوف داشته، بیان کرده و نکته‌ایی را ناگفته نگذاشته است.
- البته بحکم «الکلام یجر الکلام»، مسائل دیگری نیز بشکل تبعی بمیان آمده است. چون طرح مسأله شیطان، راز مبهم و پریچ و خم خلقت^۳، آفرینش آدم ابوالبشر^۴، حقیقت ملک یا فرشته^۵، مشاوره خداوند^۶ با ملائکه را یاد آور میشود. و نیز سجده^۷ آنان بر آدم ابوالبشر، بهشت^۸ نخستین، شجره^۹ منیه یا درخت معرفت نیک و بد که از مسائل جالب است و با موضوع شیطان ارتباط دارد. و نیز تعدد عالم^{۱۰} و آدم از جمله موضوعاتی است که در حین بحث درباره ابلیس

از طریق ندای معانی بخاطر می‌آید. برای مزید فایده بمنابع زیرین مراجعه شود. باری در آغاز آفرینش، آدم در بهشتی که تابشی از پرتو اسماء و صفات حق بر آئینه فطرت بود، با همسرش حوا زندگی می‌کرد. ولی سرشت وجود آدم بسان دریاچه بسیار صاف و زلالی بود، که از جهت عمق در معرض دود و بخار و تکانهای شدید آتشفشانها قرار گرفته بود. و بنابراین وسوسه شیطان بحوا و نفوذ عواطف و خواهشهای زن، صفا و آرامش سطح بالای آن آب را تیره و مضطرب گردانید. در نتیجه آدم، هبوط کرد، شیطان نخستین ضربه شدید انتقامی خود را بر پیکر آدم وارد کرد^{۱۱}، تا از بهشت برین رانده شد، محیط صفا بهم خورد، نهال دشمنی کاشته شد ولی خاطره و خیال آن زمان شیرین در خاطرهای آدمی باقی ماند.

وصول بآن سرچشمه صدق و صفا کمال مطلوب آدمیزاد گردید، از زبان انبیاء^{۱۲} و اولیای خدا^{۱۳}، در معنی واحد و الفاظ مختلف گاهی به لسان دین و زمانی بزبان تصوف و عرفان، با قالب نظم و نثر در جهان طنین افکند. با وجود اینهمه کوشش و تلاش دست آرزو از دامن مقصود کوتاه بود چه شیطان رجیم طریق وصول بحق را می‌بندد از این رو دو داستان متوالی در دفتر پنجم بصورت محاکمه درآمده و رأی نهائی قاضی عالم و عادل در ضمن داستان دوم ذکر شده است.

اینک داستان اول :

بیت ۲۹۱۲ مرمغی را گفت مردی کای فلان

هین مسلمان شویباش از مؤمنان

بنابراین مردی مؤمن و مسلمان پاک اعتقادی که بصورت مدعی در این محاکمه جلوه میکند مغ مجوس را که طرف دعویست بنا به سنن اسلامی، دعوت باسلام و گرایش بایمان مینماید. ولی مغ چنین پاسخ میدهد:

ب: ۲۹۱۳ گفت اگر خواهد خدا مؤمن^{۱۴} شوم

ور فزاید فضل هم موقن^{۱۵} شوم

ظاهر مقال چنین مینماید، که مغ، اسلام و ایمان و ایقان خود را موکول به عنایت^{۱۶} ربانی میکند و یادآور گفتار زردشت است:

«کسیرا که مزدا دوست دارد، سروش و هومنه باوروی می آورند»^{۱۷}. و یا اینکه منظورش ذکر یکی از گوشه‌های شیوة تربیت تصوف اسلامی است که توجه حق و کشتی را دلیل هدایت میدانند^{۱۸} و مدلول آیه شریفه را (فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام ومن یرد ان یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً)^{۱۹} و نیز بمشیت پروردگار اشاره مینماید، بعبارت دیگر آفریدگار تکلیف همه عالمیان اندر اثبات مشیت خود رانفی کرده است، گوئی از گفته «هجوری مایه گرفته» اگر مجاهدت علت وصل بودی ابلیس مردود نبود و اگر «ترك آن، علت رد و طرد بودی هرگز آدم مقبول و مصفی نبود، پس کار سبقت عنایت دارد، نه کثرت مجاهدت».

نه هر که مجتهدتر ایمن تر، کی هر که عنایت بدو بیشتر بحق نزدیک تر.^{۲۰}

مثل ساده‌ای این موضوع را بسیار روشن میکند:

«نه اسب را به مجاهدت خرتوان کرد، نه خر را بر ریاضت اسب توان

گردانید.» و اندر اسب صفتی است مکتوم که اظهار آنرا مجاهدت

سبب است، کی ریاضت نیابد آن معنی ظاهر نشود»^{۲۱}

یا کلام امام احمد جام را مکرر می‌گرداند:

«کار باین درگاه به بسیاری نیست و به اندک کاری هم نیست، کار آنستکه

مرد را از ازل در آورند» و تا درباره او چه تعبیه کرده، هردلی او را زندگی

باشد او از کار ظاهر ننازد «گوز بی مغز گوز نماید» ولیکن آتش را شاید،

کار بی اخلاص باطن هیچ اصلی ندارد»^{۲۲} از آن بود که مهتر گفت.

با مدلول گفتار بهاءالدین ولد است:

خداوند در انسان قوه‌ایی خلق کرده تا مشیت^{۲۳} خداوندی را جوید و آن دلیل بر اختیار انسانست.^{۲۴} و نیز در همان کتاب چنین آورده است:

«اختیار بی اختیار مشیت محال است»^{۲۵}

قسمت دوم اظهارات مغ مجوس که بمرتبه یقین^{۲۶} اشاره کرده است در خور دقت می‌باشد. باری مسلمان تمثیل آن گروه از مردم است که حصول مقصود و رسیدن بسر منزل مراد را موقوف بر جد و جهد خویش میدانند و در انتظار توفیق و عنایت و تصادف نمی‌نشینند، از این رو برای رد دلایل فلسفی مغ، چنین جواب میدهد.^{۲۷}

ب ۲۹۱۴ : گفت می‌خواهد خدا ایمان تو

تا رهد از دست دوزخ جان تو

ب ۲۹۱۵ : لیک نفس نحس و آن شیطان زشت

می‌کشند سوی کفران و کشت

اظهارات مسلمان با توجه باصل مجاهدت است، هر کس آنرا منکر باشد، مثل اینست که همه انبیاء و شرایع را منکر شده است،^{۲۸} چون مدار تکلیف بر مجاهدت انسان می‌باشد، ولی آنچه در این میان مانع از توجه بحق و موجب انحراف آدمی است، دو عامل مهم می‌باشد.

«شیطان دوزخ، نفس نحس»^{۲۹}

اگر تو متابعت نفس^{۳۰} را رها کنی و از ظلمت هوی و هوس بیرون آیی، در مامن نور صبح صادق صاحب‌دلان در آئی. نور رفیع پیامبر ما بینی که کمر شفاعت بر میان بسته و بر گوشه صراط ایستاده، تا زمره امت را از کانون عذاب سلامت گذرانند. تو نیز از خلود^{۳۱} در آتش دوزخ^{۳۲} رها شوی و شاید بیهشت^{۳۳} برین راه یابی.

مغ، در قبال هدایت مسلمان، و وعده و وعیدهای او راه سفسطه پیش می‌گیرد، و سخنانی بلون دیگر می‌گوید بدین ترتیب:

چون خدا میخواست از من صدق رفت
 خواست او چه سود چون پیشش نرفت
 نفس و شیطان خواست خود را پیش برد
 و آن عنایت قهرگشت و خرد و مرد
 پس این قسمت از دفاعیات او، حکایات از عقیده دیویسنائی^{۳۴} وی
 میکند چه با توجه بمتون معتبر زردشتی درباره‌ای از نقاط ایران از قبیل مازندران
 و دیلم و گیلان یا قسمتی از آنها، و همچنین مردم توران بگروهی از پروردگاران
 یا دیوها اعتقاد داشته‌اند. باری با توجه بدفاعیات مغ، بیت شماره^{۳۵} (۲۹۲۰-
 ۲۹۲۷) چنین مستفاد می‌شود که، اساس اختلاف مسلمان با مغ مجوسی، در
 وحله اول این نکته است:

«مغ ماورای حس و تجربه و عقل و اندیشه بشری را، چیزی غیر از وهم و
 پندار نمی‌بیند. «ولی مسلمان می‌گوید» ماورای عقل و بیرون از دایره اندیشه
 و آزمایش حسی نوع بشر نیز عالمی است بسیار وسیع و حقایقی است که،
 دست یافتن بدان، جز بوسیله ایمان، میسر نیست، بایست از سبب صرف نظر
 کرد، چشم امید بسوی مسبب دوخت^{۳۶}».

بعلاوه با توجه با بیات مذکور و امعان نظر خاص (۲۹۲۸-۲۹۳۶)^{۳۷}
 میتوان گفت قسمت آخر دفاعیات مغ متضمن چکیده از عقاید مختلف فرق
 اسلامی است:

از قبیل جبریه^{۳۸} - قدریه^{۳۹} - معتزله^{۴۰} - اشعریه^{۴۱} - اباحیه^{۴۲} است.
 بطور کلی بمسائل و اقسام جبر و اختیار، قضا و قدر و مشیت و خلق اعمال
 اشاره شده است. توجه با بیات شماره ۲۹۳۰-۲۹۳۲ مسأله تقسیم زمان است:

- ۱- زمان اصلی که در آن خوبی حاکم بود.
- ۲- زمان حاضر که پلیدی وجود دارد.
- ۳- زمان آینده که بار دیگر خوبی حاکم خواهد شد.

بطور کلی چنین نتیجه گرفته می‌شود که مغ جهان را ، از دیدگاه عقیده بجزر مذموم و ابناء محرمات و عدم تقید نسبت با و امر و نواهی می‌بیند. اما مسلمان به جبر اوسط گرایش دارد که مقید بانجام تکالیف می‌باشد. در این مورد مولوی بکرات در جلد اول در بیت^{۴۲} (۴۷۳-۴۷۰ و ۶۱۷) و از بیت^{۴۵} ۱۴۶۳-۱۴۵۶ داد سخن داده است.

اما نتیجه‌ی محاکمه

با توجه بآدلة حکم محکمه در صدر حکایت دوم است :
شیطان بر در رحمان

عنوان حکایت دلالت دارد که برخلاف اظهارات مغ، شیطانرا اختیاری نیست، بلکه طبق مفاد بیت‌های^{۴۶} ۸۳۳-۸۳۱ دفتر اول^{۴۷} و ابیات شماره ۲۹۶۲-۲۹۳۷ همین حکایت، خداوند عامل واقعی و حقیقی است. یعنی هر چه در وجود می‌آید، تحت تأثیر قدرت اوست و کلیة علل مشهود در عالم حدوث ، در مرتبه دوم قرار دارند همه ممکنات، بدون واسطه مستند بحق است. فی‌المثل سوختن که از آتش بظهور میرسد و یا رفع عطش که از خوردن آب حاصل میگردد، بدان سبب نیست که آتش یا آب بخودی خود می‌سوزند و یا تشنگی را مرتفع می‌سازد، بلکه حق تعالی عادت را بر این قرار داده است، که این نتیجه از آب و آتش بظهور برسد و هر گاه اراده کند، آتش و آب این خاصیت را نخواهند داشت. ممکن است چیزی به آتش تماس کند و نسوزد، و یا سوختن بدون تماس با آتش بظهور برسد.

تمثیل آتش در این ابیات بسگ ترکمان و همچنین تشبیه همان حیوان با وفا به شیطان در این حکایت از ابیات شماره ۳۹۶۲-۲۹۳۷ برای آنست که سگ میان آشنا و بیگانه فرق می‌گذارد و از وی دو فعل مخالف سر میزند شیطان نیز در برابر رحمان و مانند آتش و سگ ترکمان عمل کند و مسخر فعل و اراده حق تعالی است. قوه مستقلی نیست.

حواشی

- ۱- مرمغی را گنت مردی کای فلان هین مسلمان شو بباش از مؤمنان
- ۲- حاش لله انشاء الله کان حاکم آمد در مکان و لامکان
- ۳- برای کسب اطلاع در این مورد بقرآن کریم :
سوره ۱۱۱، آیه ۸، سوره ۴۶ آیه ۳، سوره ۲۹ آیه (۱۹، ۴۳)، سوره ۱۳ آیه ۳، سوره ۲۲ آیه ۵، سوره ۲۱ آیه (۳۱، ۳۲، ۳۳) مراجعه فرمایند.
- ب: به کتاب Le Koran Analysé، نوشته Jules La Leune از ص (۲۸۳-۲۸۴) را بنگرند.
- ۴- الف: بقرآن کریم سوره التین آیه (۴، ۵، ۶)
ایضاً سوره ۳۸ آیه (۷۱-۷۹)
ب: کتاب مطالعات در تصوف اسلامی ص ۱۰۸.
- ج: کتاب Passian l'ahadje Massignen ص ۸۳۳ مطالعه نمایند. با
ارجاع به Encyclopedie de L'islane Vol 1.
- ۵- برای مزید اطلاع بمراجع زیرین مراجعه فرمایند.
الف: کتاب مرصاد العباد من مبدء الی المعاد ص ۲۰-۲۱ باب دوم.
ب: برخی از حکماء ملائکه را عبارت از عقول مجردة، بعضی مثل افلاطونیه دانسته‌اند، کتاب کلم الطیب ص (۶۸۴-۶۵۴).
- ج: قرآن سوره فاطر یا ملائکه آیه یک. د: کتاب مصباح الهدایه ومفتاح الکفایه ص ۴۲ فصل هفتم در ایمان بملائکه.
- ۶- تنزیل عزیز سوره دوم آیه‌های (۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱) رجوع نمایند.
- ۷- برای فهم موارد و معانی مختلف سجده ص ۹۱-۹۲ کتاب کلم الطیب را مطالعه فرمایند.
- ۸- در مورد بهشت :
الف: به کتاب کشف الاسرار وعدة الابرار رشیدالدین میبیدی ج ۱ ص ۱۴۶ و ۱۴۷.
ب: کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی فصل ۱ ص ۷۹.
پ: کتاب الترغیب والترهیب امام زکی الدین منذری ج ۶ ص (۵۱۰-۵۱۲-۵۱۵).
- ت: کتاب تفصیل آیات القرآن از ص ۴۵۹، ۴۷۳.
ث: تورات، سفر پیدایش- باب دوم آیه (۹ و ۸).

- ج : در مورد برزخ زردشت یا هستگان کتاب تاریخ ادیان استاد حکمت ص ۷۲.
- ۹- الف : «کشف الاسراج ۱ ص ۱۴۸ س ۶».
- ب : قاموس کتاب مقدس تألیف جمییزهاکس ص ۳۷۶ س ۲۶ .
- پ : اقرب الموارد جزء اول ص ۵۷۱.
- ت : تورات سفر پیدایش باب سیم.
- ۱۰- الف : کتاب

Studies in the History of Philosophy and Religion.

تألیف : Harry Austryn Wolfson ج ۱ ص ۲۴۲ سال ۱۹۷۳
متضمن روایت از امام محمد باقر (ع).

عقیده ابن عربی

- ب : ترجمه قرآن مقدس ص ۲۴ چاپ لاهور سال ۱۸۸۹.
- ۱۱- قرآن سوره ۲ آیه (۱۵۱) انالله وانا الیه راجعون.
تعلیم جلال الدین مولوی از زبان نی:
- ۱۲- بشنو از نی چون حکایت می کند
از جدائی‌ها شکایت می کند
- ۱۳- ندای حافظ.

تراز کنگره عرشی می‌زنند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
قرآن سوره الحجر، آیه ۳۹ قال رب بما أغويتني لأزينن لهم في الارض و لأغوينهم
اجمعين.

- ۱۴- ایمان : اعتقاد با موربست که انکار آنها موجب ضلالت شود - برای مزید
فایده به صفحه ۲۳ کتاب کلم الطیب مراجعه نمایند.
- ب : جذبه حق شرط راه وصول به حقیقت است.
- ۱۵- ومن ذلك علم اليقين وعين اليقين وحق اليقين (کشف المحجوب هجویری ص
۴۹۷-۴۹۸ س ۶).

- ۱۶- او نماید هم بدلها خویش را او بدوزد خرقة درویش را
ور تو نگذاری عنایت‌های او خود گذاردای دلم مولای او
- بیت شماره ۶۸۳-۶۸۴ دفتز اول مثنوی مولوی)

- ۱۷- کتاب پیام زردشت ص ۶۱.
- ۱۸- الف : قول معروف جذبة من جذبات الرحمن توازی عمل الثقلین
ب : دائره المعارف اسلامی تحت عنوان سلوك و مجذوب.
- ۱۹- سوره انعام آیه ۱۲۴ .

- ۲۰- کشف المحجوب هجویری ص ۲۵۵.
- ۲۱- کشف المحجوب هجویری ص ۲۵۶ و ۲۵۷.
- ۲۲- الف: ان الله تعالى لا ينظر الى صوركم ولا الى اجسادكم ولا الى اعمالكم و لكن ينظر الى قلوبكم و نياتكم»
- ب - فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر ج ۲ ص ۲۷۷ کتاب روضه المذنبین و جنة المشتاقین ابونصر احمد جام ص ۸۸ و ۸۹.
- پ : قرآن کریم سوره ۴۸ آیه ۱۴ «ولله ملك السموات و الارض یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء»
- ث : قرآن کریم سوره ۷۳ و آیه ۲۴ «یضل الله من یشاء و یهدی من یشاء»
- ۲۳- الف : مشیت و قضا و قدر : سوره ۱۰ آیه ۴۹ - سوره هود آیه ۶ - سوره الاسراء آیه ۵۸ - سوره حدید آیه ۲۲ - سوره طلاق آیه ۳ «ان الله بالعلمه قد جعل الله لكل شیء قدرا»
- ب : کتاب التعریفات میر سید شریف جرجانی ص ۷۶.
- ۲۴- کتاب معارف بهاء ولد.
- ۲۵- ایضاً همان کتاب.
- ۲۶- کتاب مصباح الهدایه ص ۷۵ (فصل نهم در علم یقین).
- ۲۷- حق بر آنچه می کند از خیر و شر بیش از ایجاد شما دارد خبر هر چه خواهد می کند یعنی بر است گوهر ایشان امر یکجا با خداست
- «نقل از تفسیر منظوم صفی علی شاه ، ج ۱ ص ۱۷۲ ، تفسیر آیه ۱۴۹ سوره آل عمران، قل ان الامر کله لله».
- ۲۸- برای بینش بیشتر به کتاب کشف المحجوب هجویری ص ۲۵۶ س ۹ مراجعه فرمایند .
- ۲۹- الف : کلمه شیطان را مشتق از ریشه (شیط) بمعنی سوختن یا از (شطن) بمعنی دور شدن (مفردات راغب ص ۲۶۱) دانسته اند. در شعر زیر شیطان در معنی مار بالدار آمده است :
- منجرد تحلف حین احلف
کمثل شیطان المحاط اعرف
- شیطان در قرآن مجید قرینه رحمان است (سوره الزخرف آیه ۳۵)
- ب : نام دیگر شیطان ابلیس است که مفردات راغب آنرا مشتق از ابلاس بمعنی یأس و اعتراض میدانند. ولی کتابهای قاموس - المعرب جوالیقی - و لسان العرب آنرا اعجمی ضبط کرده اند. قدر مسلم آنکه ابلیس یونانی و از کلمه Diabalas مشتق است،

- که بزبان انگلیسی Devil و بفرانسه Dioble گویند .
- مراد از شیطان و ابلیس در قرآن مجید موجودیست زنده ، با شعور ، مکلف ، نامرئی ، فریب کار ، فقط این موجود شگفت انگیز و شرآمیز یازده بار باسم ابلیس ذکر شده است . برای اطلاع : به کتاب قاموس قرآن ج ۱ ص (۲۲۶-۲۲۸) .
- ب : قرآن سوره بقره آیه (۳۴-۲۰۴-۲۷۱) ، سوره نساء آیه (۱۱۹ ، ۱۱۸ ، ۱۱۷ ، ۷۸) سوره مائده آیه (۹۲ ، ۹۳) .
- ت : کتاب تفصیل الایات القرآن الحکیم ص (۲۷۴ ، ۲۷۸) .
- ث : قاموس کتاب مقدسی ص (۵۴۵ ، ۵۴۷) .
- ج : جاوید نامه اقبال شاعر بلند پایه پاکستان (ناله ابلیس) .
- ای خداوند صواب و ناصواب من شدم از صحبت آدم خراب (ص ۶۲۵)
- ج : شرح گلشن راز ص ۳۲۸ .
- ج : مجالس سبعة مولوی (ص ۲۴ ، ص ۱۰ س ۹) .
- خ : روضة المذنبین و جنة المشتاقین ص ۱۳۶ ، ۱۳۹ .
- د : کشف المحجوب هجویری ص ۵۲۵ .
- ذ : کشف الاسرار وعدت الابراج ۱ ص ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۳۳ .
- ر : مرصاد العباد (ص ۴۴ و ۴۵ و ۴۶) «ابلیس یرتلبیس که گرد او طواف می کرد الخ» .
- ز : شرح شطحیات روز بهان بقلی ص (۱۱۲ ، ۵۲۵ ، ۲۵۶ ، ۵۱۰) .
- س : Muslim Creed نوشته Wnsink چاپ لندن سال ۱۹۶۵ بحث جالبی در ص (۱۸۷ ، ۱۹۳ ، ۱۹۵ ، ۲۲۵) درباره شیطان و درص ۲۲۶ درخصوص دجال دارد .
- ش : عمر رضی الله عنه يك چشم شیطان را کور کرد (مقالات شمس تبریز ص ۲۹۳) .
- ص : ان الشیطان یجری فی بنی ادم جری السدم فی العروق) - فیضی القدير ج ۲ ص ۳۵۸ .
- ۳۰- نفس : اعدی عدوك نفسك التي بین جنیك (محجه البيضاء ج ۵ ص ۶) .
- الف : کتاب کشف المحجوب هجویری ص (۲۵۰ ، ۲۵۳ ، ۲۵۸) .
- ب : فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی ج ۷ ص (۶۶۸ ، ۶۷۴) .
- پ : فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی ص (۴۶۷ ، ۴۷۱) .
- ت : مرصاد العباد من مبدء الی المعاد ص ۹۷ (دع نفسك و تعال) .
- ث : ترجمه رساله تشرییه باب ۱۶ ص (۲۲۹ ، ۲۲۵) .
- ۳۱- الف : قرآن «ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدون» . این آیه در جواب

جهودانست که گفتند خدا ما را در آتش عذاب نکند مگر چند روز (سوره بقره آیه ۸۰ ، ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۸۴).

ب : برای مزید اطلاع به کتاب کلم الطیب ص ۷۷۴، ۷۶۰
۳۲- در مورد دوزخ اسلامی باید یادآور شد که در قرآن کریم در چهل سوره و یکصد و پنجاه آیه بدان اشاره شده است . محض مثال

سوره ۳۷ آیه (۷۰، ۶۲) ، سوره ۴۴ آیه (۴۹، ۴۳) ، سوره ۳۸ آیه (۶۴، ۵۵) ،
سوره ۵۵ آیه (۴۴، ۴۳، ۴۱، ۳۹، ۳۷) ، سوره ۵۶ آیه (۵۶، ۴۱) - سوره ۷۸ آیه (۲۱، ۲۷) ، سوره ۸۸ آیه (۷، ۱) .

مثنوی: هر کجا خواهد خدا دوزخ کند اوج را بر مرغ دام و فخ کند
از بین دندان بر آرد دردها تا تو گوئی دوزخ است و اژدها

۳۳- الف: در مورد بهشت اسلامی در قرآن مجید در پنجاه و دو سوره تعداد ۲۵۸ آیه وصف بهشت و بهشتیان آمده است. سوره ۷ آیه (۵۰ ، ۴۰) ، سوره ۳۷ آیه (۵۵، ۵۸) سوره ۵۲ آیه (۱۵) ، سوره ۵۵ آیه (۷۸، ۴۶) سوره ۵۶ آیه (۴۰، ۱۲) برای تکمیل اطلاع در مورد بهشت و دوزخ بمنابع زیرین بنگرند .

به کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی فصل ۶ از ص (۸۷-۱۱۲) کتاب روح المثنوی اسمعیل حقی در خصوص سجین و علیین ج ۲ ص ۴۱۱ .

۳۴- الف : رجوع شود به (ج ۱) یشتها ص ۱۲
ب : دیو و اهریمن اندیشه پلید خود انسانست کتاب (مقالات و عقائد و افکار زردشت ص (۶۶ و ۶۷) .

پ : کتاب دین هخامنشیان ص ۶۲

ت : کتاب پیام زرتشت ص (۱۶۶ و ۱۱۵) .

ث : منشاء حاول دیو در بیماران روانی، «لپی عیسی او را نهیب داد دیو از وی بیرون شد» انجیل متی باب هفدهم آیه ۱۴ .

ج : از این رو تا سال ۱۷۹۱ مردم اروپا در مورد بیماران روانی معتقد بحلول دیو بودند .

Traité Medicol Philosophique sur L'alienation Nental-

Encyclopaedia of Living Faithes ۲۱۲ ص : ح

چ : در تورات در سفر آفرینش از شیطان و دیو خبری نیست بلکه در آیات ۲۷۱ و ۲۷۲

۵ و ۳ باب سیم مار وسیله اغوای حوا گردیده است .

خ : «گرگان گفتند یزدان مطبوع است بر خیر و هرگز شر نتواند کردن و اهریمن

مطبوع است بر سر و هرگز خیر نتواند کردن (کتاب النقص عبدالجلیل ابن ابی الحسین القزوی ص ۴۸۵ تهران ۱۳۳۱).

-۳۵

| | |
|--|--|
| <p>اندر او صد نقش نیک انداختی دیگری آمد و آنرا ساخت دیر خوش بسازی بهر پوشیدن قبا رغم تو کرباس را شلوار کرد جز زبون رأی آن غالب شدن</p> | <p>تویکی قصر و سرائی ساختی خواستی مسجد بود آن جای خیر یا تو بافیدی یکی کرباس تا توقبا میخواستی خصم از نبرد چاره کرباس چه بد جان من</p> |
|--|--|

۲۹۲۵

| | |
|---|---|
| <p>آنکه او مغلوب غالب نیست کیست خارین در ملک و خانه او نشاند که چنین بروی خلافت میرود</p> | <p>اوزبون شد جرم این کرباس چیست چون کسی بی خواست او بروی براند صاحب خانه بدین خواری بود</p> |
|---|---|

-۳۶

| | |
|---|--|
| <p>معجزات خویش بر کیوان زدند بندگی کن تا ترا پیدا شود</p> | <p>انبیاء در قطع اسباب آمدند کشف این از عقل نه کارانزا بود</p> |
|---|--|

-۳۷

| | |
|--|--|
| <p>چونک یار این چنین خواری شوم تسخر آمد «انش شاء الله کان» آن نیم که بر خدا این ظن برم گردد اندر ملک او حکم جو که نیارد دم زدن دم آفرین دیو هر دم غصه می افزایدش چونک غالب اوست در هر انجمن پس چه دستم گیرد آنجا ذوالمنن از که کار من دگر نیکو شود</p> | <p>عم خلق کردم من از تازه و نوم چونکه خواه نفس آمد مستمان ۲۹۳۰ من اگر ننگ مغان یا کافر ۲۹۳۱ که کسی ناخواه او ورغم او ۲۹۳۲ ملک او را فرو گیرد چنین دفع او می خواهد و می بایدش بنده این دیو می باید شدن تا مبادا کین کشد شیطان زمن آنکه او خواهد مراد او شود</p> |
|--|--|

۳۸- جبریه آنست که نفی فضل کنند از بنده و اضافه نمایند بحضرت کبریائی و ایشان

اضافتند.

ملل و نحل شهرستانی ص ۱۰۱ س ۱۵.

۳۹- قدریه: بقدر قائل، در این مسئله مسلک معبد جهنمی و غیلان دمشقی، مسلوك داشته اند. گویند خدای تعالی حکیم است و عادل و هر آینه شر و ظلم را بآن حضرت

نسبت نتوان کرد. لاجرم فاعل خیر و شر و کفر و ایمان و طاعت و معصیت بنده باشد همان کتاب ص ۶۸ س ۱.

م : دیانت زردشتی ص ۱۳۲ ازس دوم به بعد.

۴۰- واصل بن عطا و عمرو بن عبید فرقه نوی پدید آوردند به نام معتزله یا اهل عدل و توحید که در تاریخ بنام عدلی مذهب خوانده اند (ص ۴۰۰ کتاب تاریخ ادیان هاشم رضی) ص ۹۴ ملل و نحل شهرستانی.

۴۱- اشعریه : می گفتند بنده بهیچ روی قدرت بر فعل ندارد خواه بنحو مؤثر یا بصورت کسب و میان انسان و جمادات در ظهور فعل هیچ تفاوتی نیست هر چه از انسان بظهور میرسد فعل و کرده خداوند است.

اراده حق تعالی نافذ است و هیچ مانع در اجرای خواست و مشیت او وجود ندارد ص ۱۲۰ ملل و نحل - ص ۱۳۰ س ۴ کتاب تاریخ ادیان استاد علی اصغر حکمت.

۴۲- اباحیه : معتقد بسقوط تکلیف و اباحه محرمات و عدم تقید نسبت باوامر و نواهی است .

نفحات الانس ص ۱۳ .

تلبیس ابلیس ص ۳۶۳، ۳۷۲.

ابراهیمیه از فرق راوندیه و جزء اباحیه اند.

ص ۱۱۲ ترجمه فرق الشیععه نوبختی

۴۳- دفتر اول بیت ۶۱۸.

ایضا ۹۳۸ به بعد و ۱۴۸۰ به بعد.

دفتر سوم ابیات ۲۹۰۹ به بعد و ۳۲۸۶ به بعد.

دفتر چهارم ابیات ۱۳۹۳ به بعد و ۲۹۱۴ به بعد.

دفتر پنجم ابیات ۴۲۵ به بعد و ۶۴۹ به بعد.

دفتر پنجم ابیات ۲۹۱۲ به بعد و ۳۲۵۰ به بعد و ۴۱۰۳ به بعد.

دفتر ششم ابیات ۲۰۰ و ۴۰۱ به بعد.

۴۴- رجوع شود به کتاب چهار تمثیل مولوی تألیف نگارنده از ص (۴۲۸، ۴۳۷).

۴۵- شرح مثنوی نیکلسن ج ۱ از ص (۵۷، ۵۸).

توضیح مطالعه کتاب مولوی نامه استاد اجل جناب آقای همائی ص (۷۸، ۸۱)

(۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۸، ۱۳۸) که به ترتیب مشعر است برد شبهه جبر، اثبات اختیار و ابطال

جبر - قضا و قدر - جبر عامه و خاصگان ، ابطال عقیده معتزله بسیار مغتنم است .

-۴۶

بر در خرگه سکان ترکمان
وربخرگه بگذرد بیکانه رو
من زسگ کم نیستم در بندگی
چابلوسی کرده پیش میهمان
حمله بیند از سگان شیرانه او
کم زترکی نیست حق درزندگی

-۴۷

حاش الله أنش شاء الله كان
هیچ کس در ملک او بی امر او
ملك ملك اوست فرمان او
ترکمان را گر سگی باشد بدر
کودکان خانه دمش می کشند
حاکم آمد در مکان و لامکان
در نیفزاید سر يك تاي مو
کمترین سگ بردر آن شیطان او
بردرش بنهاده باشد رو و سر
باشد اندر دست طفلان خوارمند

منابع و مأخذ

- ۱- مثنوی معنوی مولوی به تصحیح رینولدالین نیکلسون لیدن سال ۱۹۲۵.
- ۲- قرآن کریم بخط مرحوم ظاهر خوشنویس تهران.
- ۳- مرصاد العباد من مبدء الی المعاد شیخ نجم الدین رازی چاپ تهران سال ۱۳۱۲.
- ۴- کتاب کلم الطیب، تألیف سیدعبدالحسین طیب تهران سال ۱۳۵۲.
- ۵- مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، عزالدین محمودبن علی کاشانی باهتمام استاد هاشمی، تهران ۱۳۲۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶- کشف الاسرار و عدت الابرار ابوالفضل رشید الدین میبیدی تهران مطبعه مجلسی ۱۳۴۳.
- ۷- کیمیای سعادت امام محمد غزالی تهران سال ۱۳۱۹ شمسی
- ۸- الترغیب و الترهیب امام زکی الدین مندوزی ج ۶ ص (۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۵)
- مصر ۱۹۵۴.
- ۹- کتاب تفصیل الایات القرآن، محمد فواد عبدالباقی باهتمام کیکاوسی ملک منصور تهران ۱۳۳۴.
- ۱۰- اعلام القرآن مرحوم خزائلی چاپ تهران سال ۱۳۴۱.
- ۱۱- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) چاپ بریتانیای کبیر سال ۱۹۶۳.
- ۱۲- تاریخ ادیان استاد حکمت (علی اصغر) چاپ شیراز ۱۳۳۹.
- ۱۳- قاموس کتاب مقدس تألیف جیمزهاکس چاپ دوم تهران ۱۳۴۹.

- ۱۴- اقرب الموارد تألیف سعید الخوری الشر تونی اللبنانی بیروت ۱۸۸۹.
- ۱۵- ترجمه قرآن مقدس عبدالقادر لاهور سال ۱۸۸۹.
- ۱۶- دیوان حافظ با اهتمام علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی تهران سال ۱۳۲۰.
- ۱۷- کتاب پیام زردشت از انتشارات سازمان زردشتی تهران ۱۳۴۶.
- ۱۸- دائرة المعارف اسلامی ج ۱ بیروت سال ۱۸۷۵.
- ۱۹- روح المثنوی اسمعیل حقی ج ۲ مطبعه العامره سال ۱۲۸۷.
- ۲۰- کشف المحجوب هجویری غزنوی چاپ امیر کبیر سال ۱۳۳۶.
- ۲۱- فیض القدير شرح جامع الصغير محمد المدعو بعبد الرؤوف المناوی بیروت ۱۹۷۲.
- ۲۲- روضة المذنبین و جنة المشتاقین شیخ الاسلام ابونصر احمد جام نامقی تهران ۱۳۵۵.
- ۲۳- التعريفات میرسید شریف جرجانی مصر ۱۳۰۶ هـ.ق.
- ۲۴- معارف بهاء ولد (سلطان العلماء بهاء الدین چاپ تهران سال ۱۳۳۳).
- ۲۵- مفردات راغب اصفهانی با اهتمام کتابخانه مرتضوی چاپ افسس تهران.
- ۲۶- قاموس فیروز آبادی طبع مصر ۱۹۱۳.
- ۲۷- المعرب جوالیقی.
- ۲۸- لسان العرب ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور الافریقی المصری بیروت ۱۹۵۵.
- ۲۹- قاموس قرآن تألیف سید علی اکبر قرشی چاپ تهران سال ۱۳۵۴.
- ۳۰- جاویدنامه اقبال شاعر بلند پایه پاکستان چاپ لاهور ۱۹۴۳.
- ۳۱- شرح گلشن راز تألیف شیخ محمد لاهیجی با اهتمام کیوان سمعی تهران سال ۱۳۳۷.
- ۳۲- مجالس سبعة مولوی تهران ۱۳۱۸.
- ۳۳- شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی تهران سال ۱۳۴۴.
- ۳۴- مقالات شمس تبریزی بکوشش احمد خوشنویس تهران ۱۳۴۹.
- ۳۵- محجة البیضاء ج ۵ ص ۶ چاپ سنگی تهران.
- ۳۶- فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی دکتر سید صادق گوهرین تهران سال ۱۳۵۴.
- ۳۷- فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی دکتر سید جعفر سجادی تهران سال ۱۳۵۰.
- ۳۸- ترجمه رساله تشبیه با استدرکات علامه فقیه فروزانفر تهران ۱۳۴۵.
- ۳۹- ترجمه تفسیر طبری بکوشش حبیب یغمائی تهران ۱۳۳۹.
- ۴۰- بشتهها ج ۱ پورداد تهران ۱۳۴۳.

- ۴۱- مقالات و عقائد و افکار زردشت دکتر موسی جوان تهران ۱۳۴۳.
- ۴۲- کتاب دین هخامنشیان.
- ۴۳- کتاب دیانت زردشت نوشته (کامی بار، مری بویس) ترجمه و همنی ۱۳۴۸.
- ۴۴- انجیل متی بریتانیای کبیر ۱۹۶۳.
- ۴۵- ملل و نحل شهرستانی با اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی چاپ تهران سال ۱۳۱۸.
- ۴۶- کتاب تاریخ ادیان هاشم رضی تهران.
- ۴۷- نفعات الانس مولانا عبدالرحمن جامی تهران ۱۳۳۷.
- ۴۸- تلبیس ابلیس الامام جمال الدین ابی الفرج عبدالرحمن ابن الجوزی مصر سال ۱۹۲۸.
- ۴۹- ترجمه فرق الشیعه نوبختی بخامنه دکتر مشکور تهران ۱۳۵۳.
- ۵۰- چهار تمثیل مولوی دکتر جواد سلماسی زاده تبریز سال ۱۳۵۵.
- ۵۱- ج ۱ شرح مثنوی نیکلسن کمبریج اوینورسیتی پرس
Cambridge-univevsity Press
- ۵۲- مولوی نامه استاد همائی تهران سال ۱۳۵۴.

- 1- Jules le Beaune, Le Koran Analyse. par.
- 2- Harry Austrain Wolfson = studies in the History of Philosophy and Religion, Cambridge Massaehusettes 1973.
- 3- A. J. Wensinck, Muslim Creed, Cambridge 1932.
- 4- R. A. Nicholson, Mystics of Islam. London 1963.
- 5- R. C. Zaehner, The Concise Encyclopaedia of Living Faiths, 1969 London-
- 6- R. A. Nicholson, The Mathnawi of Jalu'ddin Rumi Volume vll Cambridge University Press 1937